گفت‌وگوی پاسارگاد با مجتبی نخعی شکارچی که تفنگ‌اش را کنار گذاشته است

آه شکار زندگی‌ام را گرفت

مجتبی نخعی / عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

زهرا خواجویی‌نژاد

۱۲ سال از آخرین باری که شکار کرده می‌گذرد. بعد از آخرین قوچی که هدف گلوله‌اش قرار گرفته، دیگر دست به تفنگ نبرده است. یک اتفاق تمام مسیر زندگی‌اش را تغییر داده است. خودش از آن اتفاق به عنوان معجزه یاد می‌کند و می‌گوید هنوز باور نمی‌کند. «مجتبی نخعی» شکارچی معروف سیرجانی حدود یکماه پیش مهمان برنامه محاکات از شبکه دو سیما بود. نخعی متولد ۱۳۶۰ است و بعد از اینکه شکار را کنار گذاشته است مدتی محیطبان و عکاس محیط‌زیست بوده است. او پنج‌شنبه هفته گذشته مهمان نشریه پاسارگاد بود تا برای ما هم از زندگی پر فراز و نشیب‌اش بگوید. نخعی مدرس ویولن و ویولنسل آموزشگاه موسیقی دلشدگان است و از این طریق امرار معاش می‌کند. خودش می‌گوید زندگی عجیب و غریبی داشته است و پس ازشرکت در برنامه محاکات، قرار است زندگینامه‌اش را تبدیل به‌فیلمنامه کنند.

چه شد به سمت شکار رفتید؟

سال ۸۰-۸۱ بود با یکی از دوستان رفته بودیم بیابان، دیدم تفنگ دارد و با تفنگش یک کبک را زد. با دیدن آن صحنه شگفت‌زده شدم و گفتم چقدر شکار مزه می‌دهد. چقدر قشنگ پرنده افتاد و همین باعث شد سمت خرید تفنگ و شکار بروم. تفنگ ساچمه زنی خریدم و شدم شکارچی. بعد از تفنگ ساچمه‌زنی تفنگ دولول خریدم، بعد از دولول تفنگ خفیف، و بعد از خفیف، گلوله‌زنی ۳۸۲ دوربین‌دار. دیگر تبدیل به یک شکارچی حرفه‌ای شده بودم. به حدی که ماموران محیط‌زیست هرکجا من را می‌دیدند می‌گفتند آمارت را داریم اگر توی کوه بگیریمت، می‌فهمیم چیکارکنیم.

یک شکارچی حرفه‌ای که علاقه‌ی زیادی هم به شکار دارد چه می‌شود تفنگ‌اش را کنار می‌گذارد؟

تا سال ۸۷ مرتب شکار می‌کردم و لذت می‌بردم. آخرین باری که شکار کردم یک قوچ شکار کردم و بعد از شکار زمانی خانه آمدم دیدم همسرم دارد سرفه می‌زند گفتم چرا این‌قدر سرفه می‌زنی؟ گفت نمی‌دانم از صبحی که بلند شدم مرتب دارم سرفه می‌زنم شاید حساسیت و یا سرماخوردگی باشد. اما متاسفانه این شکلی نبود و سرفه‌ها ادامه داشت و گاهی اوقات به همراه سرفه‌ها خون بالا می‌آورد و فهمیدیم یک مشکلی وجود دارد. رفتیم کرمان پیش یک دکتر متخصص که بعد از گرفتن سی‌تی‌اسکن گفت خانم شما سرطان ریه دارد. نمی‌توانید تصور کنید چه صحنه‌ای بود. بعد از آن آمدیم سیرجان، هرکسی می‌آمد عیادت می‌گفت میدانی خانمت چرا اینجوری شده است چون شکارچی هستی و شکارهایی که زدی آهشان زندگی‌ات را گرفته است. خیلی دوران سختی بود می‌دیدم خانمم هر روز جلوی چشمم دارد مثل شمع آب می‌شود و آنقدر فشار رویم بود که ۲۰-۳۰ کیلوگرم وزن کم کردم. با هیچ‌کس نمی‌توانستم حرف بزنم. به هرحال همه من را مقصر می‌دانستند. بعد از آن چندتا دکتر دیگر در تهران و شیراز رفتیم و همه نظرشان سرطان و شروع درمان بود. بس که حرف‌های اطرافیان اذیتم می‌کرد دیوانه شده بودم. یک روز لباس پوشیدم و رفتم سمت چهارگنبد از ساعت ۴ صبح تا ۶ عصر در دل کوه نشستم و با خدا و طبیعت و حیوانات درددل کردم و گفتم اگر شما را اذیت کردم من را ببخشید. به خدا گفتم یک کاری کن خانمم خوب بشود من دیگر سمت شکار نمی‌روم.

بعد از آن چه شد؟

تا اینکه چند روز بعد یکی از دوستانم زنگ و زد و گفت یک پزشک فوق‌تخصص یزد هست که تازه از آمریکا آمده و خیلی کارش درست است. پیش آن هم بروید ببینید چه می‌گوید، گفتم همه پزشکان می‌گویند بیماری‌اش سرطان است دیگر نیاز به رفتن نیست گفت حالا شما بروید شاید یک راهی برایش پیدا کرد. بعد از معاینه زمانی دکتر پرونده پزشکی‌اش را مطالعه کرد گفت تشخیص سایر پزشکان چی بوده، گفتم سرطان ریه. گفت اما خانمت سرطان ریه ندارد گفتم یعنی چی؟ گفت آرام باش خانمت یک بیماری ریوی دارد که از هر چند میلیون یک نفربه آن مبتلا می‌شود. گفت خانمت نیاز به عمل دارد و فقط یک نفر در ایران می‌تواند این عمل را انجام دهد و آن هم دکتر لشکری فوق‌تخصص دراستان کرمان است. اول که باور نکردم و دوست نداشتم الکی خانمم امیدوار شود. ولی چراغ امید در دل‌مان روشن شد. رفتیم آزمایشات را گرفتیم و رفتیم کرمان پیش دکتر لشکری. وقتی دکتر گفت عملش می‌کنم و خوب می‌شود و قولت می‌دهم هیچ طورش نشود همان موقع تا زمانی خانمم تو بیمارستان بود و داشتم کارهایش را انجام می‌دادم به یکی از دوستان صمیمی‌ام زنگ زدم و گفتم کلید خانه‌ام فلان‌جاست برو توی خانه تفنگ‌هایم را بردار و ببر بفروش‌شان. هرکسی واسه خرید آمد بگویید این تفنگ‌های مجتبی نخعی هست و سریع می‌خرند چون همه من را می‌شناسند ومی‌فهمند تفنگ جنس بد نمی‌خرم. حدود ۴۰۰-۵۰۰ میلیون پول تفنگم بود. بعد از آن خانمم را عمل کردند و ۱۴-۱۵ ساعت داخل اتاق عمل بود و بعد از عمل تیکه‌ای از ریه را آزمایش کردند و گفتند دیگر هیچ مشکلی ندارد.

چی شد که محیط‌بان شدید؟

با توجه به شناختی که همه به من داشتند و می‌فهمیدند شکارچی بودم از سمت رییس یکی از پارک‌های ملی به من پیشنهاد همکاری داده شد و گفت می‌آیی با ما همکاری کنی، ماموران ما نمی‌توانند شکارچی بگیرند می‌خواهیم یک شکارچی وارد جمع‌مان شود تا ببینیم یک شکارچی چیکار می‌کند که ما نمی‌توانیم او را بگیریم، تا شکارچی‌ها بدانند یک نفر آمده که تمام راه و مسیرها را بلد است و مثل عقاب بالای سرشان می‌آید. قرار شد در ازای محیط‌بانی وحفاظت به من حقوق هم بدهند. من هم همکاری با آن‌ها را پذیرفتم و از فردا به من لباس محیط‌بانی دادند و من شکارچی شدم محیط‌بان محیط‌زیست. بعد از آن یک جو بدی علیه من در بین شکارچیان شکل گرفت که مجتبی نخعی مخبر شده است و جمع شکارچی کاملا در برابر من جبهه گرفتند. اما من با توجه به معامله‌ای که با خدا کرده بودم دیگر نمی‌توانستم شکار بزنم و با خودم گفتم اجازه نمی‌دهم حیوانات شکار شوند و من می‌خواهم به محیط‌زیست کمک کنم. درواقع هیچ‌کس باور نمی‌کرد که من دیگر شکار نمی‌کنم. هرکسی من را می‌دید می‌گفت تو رفتی در پوشش لباس محیط‌زیست شکار کنی. من به هردری می‌زدم که حقانیت خودم را ثابت کنم نمی‌توانستم و همه چنین باورذهنی نسبت به من داشتند.

عکاس محیط‌زیست هم هستید؟

در همین حین محیط‌بانی یکبار یک عکاس هلندی برای عکس گرفتن از زاهور به آن سایت آمد و دیدم عجب عکس‌های قشنگی گرفته است و همین باعث علاقه‌ی من به دوربین شد، پس از آن یک دوربین عکاسی خریدم و چون توانایی نزدیک شدن به حیوانات را داشتم می‌رفتم از فاصله بسیار نزدیک از حیوانات عکس می‌گرفتم وعکس‌هایم با کیفیت می‌شد. کم کم عکس‌هایم در فضای مجازی پخش شد و فالورهایم بالا رفت. عکس‌هایم مورد توجه مدیرکل خراسان شمالی قرار گرفت و یکبار زنگ زد و گفت کارهایت بی‌نظیر است و می‌خواهم ازت دعوت کنم در برنامه محیط‌زیست که از شبکه نسیم پخش می‌شود شرکت کنی و همین باعث شد به عنوان عکاس طبیعت‌شناخته‌شوم.

دیگر هیچ‌وقت دنبال شکار نرفتید؟

واقعا به هیچ عنوان دیگر دنبال شکار نرفتم و دیگر علاقه‌ای هم نداشتم. اما هیچ‌کس باور نکرد و نمی‌کند. درواقع همه بهم شک داشتند و فقط خودم می‌فهمیدند من هیچ‌کاری نمی‌کنم.

بعد از آن چه شد؟

یکبار با موتور در سایت در حال نگهبانی بودم که یک هایلوکس پلاک قرمز دیدم که داشت وسط دشت دنبال آهو می‌کردند با خودم گفتم این کیه که چنین جراتی دارد وسط منطقه‌ی پارک‌ملی دنبال آهو می‌کند تا شکار کند تفنگم را برداشتم و سوار موتور شدم و رفتم به سمت‌شان و گفتم بیاین پایین، یکی‌شان که سن‌اش بالاتر بود گفت برو بچه برای خودت دردسر درست نکن. گفتم می‌خواهم دردسر درست کنم همه‌تان بیایید پایین می‌خواهم ماشین را بازرسی کنم. گفت ما آمدیم بازدید، گفتم با کلاشنیکوف و سیمینوف بازدید می‌کنید؟ زنگ زدم به مدیر سایت گفتم اینجوری شده، گفت مگر نگفتم امروز فقط فلان منطقه را نگهبانی بده؟ گفتم رفتم خبری نبود آمدم آبشخور این منطقه را چک کنم. گفت خودم خبر دارم این‌ها برای بازدید آمدند. بعد فهمیدم این آقا شکارفروشی راه انداخته است. پس از آن به مدیرکل محیط‌زیست استان زنگ زدم و اطلاع دادم و او را خواستند و همین اتفاق باعث دشمنی‌اش با من شد. و یکبار به ناحق و با پاپوشی که برایم درست کرده بودند من را دستگیر و برایم صورتجلسه کردند که فلانی با لباس محیط‌زیست در حال شکار گرفته شد در حالی که خدا می‌داند من برای شکار نرفته بودم. رفتیم دادگاه و من را ۲۴ ساعت بردند بازداشتگاه و سپس با قید وثیقه آزاد شدم. سپس حکم دادند تفنگ به نفع وزارت دفاع مصادره شود، بدون هیچ خلافی چنین کاری با من کردند و واقعا حقیقت کتمان شد و آبرویم را بردند.

آن زمان‌ها که شکار می‌زدید واقعا از اینکه حیوانی را می‌کشید ناراحت نمی‌شدید؟

روزهای اول زمانی شکار می‌کردم خیلی ناراحت می‌شدم. یادمه اولین چهارپایی که زدم رفتم بالای سرش زدم توی سرم و گفتم من چیکار کردم حالا کی سرش را ببرد و همین طور ولش کردم تا خودش مرد. اما بعد از ۶ ماه دیگر برایم عادی شد و بعد از شکار خودم سر حیوان را جدا می‌کردم. در کل شکارچیان بیشتر برای گوشتش حیوان را شکار می‌کنند چون گوشت شکار گوشت بسیار گرانی است. تا زمانی شکار می‌کردم ما گوشت نمی‌خریدیم و فقط گوشت شکار می‌خوردیم. گوشت شکار گوشت خالصی است که اصلا چربی ندارد.

اولین حیوانی که زدید چه بود؟

کبک بود. بعد تیهو، بعد به مرحله‌ای رسید که پرنده مزدام نمی‌داد چهارپا را شروع کردم، نری، قوچ می‌زدم. تمام شکارچیان سیرجان من را به عنوان یک کمین‌وقهار می‌شناختند.

چندساعت کمین می‌کردید تا شکار کنید؟

مثلا حیوان را که می‌دیدم تا ۷۰ متری‌اش جلو می‌رفتم. واقعا در شکار خیلی سخت است به ۷۰ متری شکار برسی. چون حیوانات خیلی باهوش هستند و یک ذره اشتباه کنی می‌فهمند. من خیلی واسه شکار زمان می‌گذاشتم و همیشه همراه آدم‌های وارد می‌رفتم. یکی از دوستان ۶۰ سال سابقه داشت و من سه سال پشت سرش می‌رفتم تا جزییات را یاد بگیرم. شکار دنیای بسیار گسترده‌ای است. وزش باد صدتا تا نکته دارد. چون حیوانات به باد و بو خیلی حساس هستند و با بوکشیدن بوی انسان را تشخیص می‌دهند و فرار می‌کنند

عجیب‌ترین شکاری که کردید چه بود؟

شکار قوچ سیاه که نزدیک ۴-۵ سال بود اسمش را شکارچیان می‌آوردند و می‌گفتند آنقدر باهوش است که هیچ‌کس هنوز نتوانسته او را بزند بین شکارچیان معروف شده بود که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بزند. مکانش هم کوه‌های پشت آب‌خوری در جاده کرمان که به آب خنکو معروف است، بود. آنقدر هوشیار شده بود که اصلا روزها تکان نمی‌خورد و فقط شب‌ها حرکت می‌کرد و رنگش هم سیاه بود جوری خودش را بین سنگ‌ها قایم می‌کرد که اصلا دیده نمی‌شد. تا اینکه من پس از مدتی توانستم آن را بزنم و عکسش را نشان سایر شکارچیان دادم. خیلی قوچ عجیب و غریبی بود.

هیچ زمان دوست داشتید دوباره به شکار برگردید و تفنگ به دست بگیرید؟

نه اصلا. بعد از آن ماجرایی که برایم پیش آمد و به نامردی من را گرفتن خیلی ناراحت بودم و می‌گفتم به شکار برمی‌گردم و انتقام می‌گیرم اما باز هم دلم نیامد و با خودم گفتم من یک حیوان زبان بسته را که بکشم دوباره خدا یکی از عزیزانم را می‌گیرد.

شکارهایی که سالانه در سیرجان انجام می‌شود همه با مجوز است؟

نه هیچ‌کدام با مجوز نیست. شاید در سال دو سه تا شکار با مجوز انجام شود. چون کل سهمیه شکار سیرجان سه مورد یکی در منطقه خاکی، یکی گودغول و یکی در پاریز است. بعد می‌گویند داوطلبان نفری دو میلیون به حساب محیط‌زیست بریزند تا بعد قرعه‌کشی کنیم و نام سه نفر درمی‌آید. افرادی که اسم‌شان درآمده سه روز فرصت دارند همراه مامور محیط‌زیست یک شکار سن بالای نر بزنند. درواقع ۹۹ درصد شکارهایی که در سیرجان انجام می‌شود به صورت غیرمجاز انجام می‌شود.

رابطه محیط‌بان‌ها با شکارچیان به چه شکل است؟

وحشتناک بد است. کارد و خیار است. همین تقابل باعث کشته‌شدن شکارچی و محیط‌بان می‌شود و تا زمانی سازمان محیط‌زیست سیاست‌هایش را تغییر ندهد این تقابل و درگیری وجود دارد.

چگونه تغییر دهد؟

دو چشمی نگاه نکنند وقتی شکارچی خارجی می‌آید و ۷۰ هزار دلار می‌دهد با احترام و عزت مامور محیط‌زیست لاشه حیوانی که زده است را برایش حمل می‌کند. بهترین قوچ را نشانش می‌دهند. ولی زمانی شکارچی ایرانی می‌رود نمی‌تواند شکار کند اما یک خارجی به خاطر پول اجازه دارد. شکارچی وطنی دستش از چاره کوتاه است. چرا این‌قدر یکدفعه تقابل بین شکارچی و محیط‌بان زیاد شد چون جریمه‌های شکار بسیار بالا رفتند. وقتی شکارچی تو کوه شکاری را زده و می‌بیند مامور دارد می‌آید می‌فهمد اگر او را بگیرند حداقل ۷۰ میلیون باید جریمه بدهد برای همین به محیط‌بان تیر می‌زند. از طرفی کسی که شکار می‌رود از سر دلخوشی نمی‌رود شاید ۲۰ درصد از سر خوشی می‌روند. بقیه می‌روند که رزق و روزی کسب کنند.

سیرجان چند تا شکارچی دارد؟

آمار دقیقی از تعداد شکارچیان سیرجان ندارم اما فکر کنم بالای ۸ هزار نفر شکارچی داشته باشد.

شکارچیان بیشتر کجاها برای شکار می‌روند؟

منطقه شکار ممنوع گودغول. همین امروز که ما اینجا نشستیم سه چهارتا شکار زده شده است و ما اینجا نشستیم و خبر نداریم.

شکار تجارت پرسودی است؟

شکار یک تجارت پرسود است اگر که مدیریت و برنامه‌ریزی شود سایت پرورش حیوانات زده شود همان کاری که قطری‌ها و عربستانی‌ها دارند انجام می‌دهند تکثیر و رهاسازی شوند و اصولی و علمی کار انجام شود جمعیت وحوش زیاد می‌شود و آن زمان می‌توان به راحتی پروانه شکار داد. از خارجی ۴۰ میلیون بگیرند از شکارچی ایرانی ۲۰ میلیون، بگویند سالی یک شکار بزنید. اصلا نمی‌گوییم هزار و خردی مجوز شکار بدهند حداقل سالی ۲۰۰ تا مجوز شکار بدهند. واقعا مدیریت قضیه شکار خیلی ساده است . الان خیلی از گونه‌ها به خاطر همین عدم برنامه‌ریزی در حال انقراض هستند. از آن طرف متاسفانه به گونه‌ها نمی‌رسند بسیاری از آبشخورها خشک هستند و همه این‌ها باعث از بین‌رفتن گونه‌ها می‌شود.

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
خرید یک دستگاه لودر (نوبت اول)

شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: خرید یک دستگاه لودر) به شماره ۲۰۰۰۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۵۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران(حقوقی) و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۴ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از تاریخ انتشار اسناد مناقصه تا ساعت ۱۸:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: از تاریخ دریافت اسناد مناقصه تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۸:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها

آدرس: سیرجان- میدان انقلاب- شهرداری مرکزی- امور قراردادها شماره تماس: ۴۱۳۲۵۰۷۷ - ۰۳۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴- ۰۲۱

دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود کاواک رایان کریمان شرق در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۷ به شماره ثبت ۱۵۹۹۴ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۲۳۶۹۶۱ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

موضوع فعالیت: فعالیت نظام مهندسی و طراحی پروژه‌های و سدسازی و امثال آن طراحی و ساخت و تعمیر مدارات الکترونیکی مشاوره، اجراء و پیمانکاری ممیزی انرژی در خانه‌ها، کارخانجات صنعتی بزرگ و کوچک و صنایع طراحی، ساخت، نصب و نظارت فنی و اجراء کلیه سیستم‌های تاسیساتی اعم از تاسیسات برقی و مکانیکی ساختمان‌ها و کارخانجات صنعتی و نیروگاه‌ها واردات بذر، پیاز، قلمه، پیوند، ریشه و میوه، نهال و تخم نباتات طراحی و ساخت دستگاه‌های صنعتی در بخش تولید و فرآوری مشاوره، طراحی، ساخت، نصب، پیمانکاری، نظارت فنی، اجراء و تعمیر و نگهداری فنی خطوط انتقال برق، پست‌های برق کارخانجات صنعتی و نیروگاه‌ها و ادوات به کاررفته در هر کدام از پست‌های برق مشاوره، ساخت و فروش قطعات صنعتی، ادوات برق قدرت، برق ساختمان و برق صنعتی، سیستم‌های امنیتی و حفاظتی امور مربوط به محیط‌زیست و فعالیت‌های زیست‌محیطی طراحی، اجراء، تعمیر و نگهداری اتوماسیون صنعتی برای کارخانجات و صنایع ترجمه تخصصی مقالات علمی، متون و نشریات طراحی، اجراء، نظارت، تعمیر و نگهداری خانه‌های هوشمند، مدارس هوشمند، ادارات هوشمند، کارخانجات هوشمند ساخت، تولید و فروش قطعات و لوازم مربوط به هوشمندسازی خانه‌ها، ادارات، مدارس، کارخانجات تصدی به فعالیت‌هایی در خصوص سرویس‌های رادیویی خدمات مربوط به تجهیزات رادیویی تولید و ارائه رایانه، تولید و ارائه دستگاه‌های جانبی، تولید و پشتیبانی نرم‌افزارهای سفارش مشتری، ارائه و پشتیبانی بسته‌های نرم‌افزاری و CD اطلاعاتی تولید داخل، خدمات شبکه‌های اطلاع‌رسانی مشاوره، طراحی، ساخت، پیمانکاری، نصب و نظارت فنی، اجزاء و تعمیر و نگهداری انرژی‌های نو و تجدیدپذیر (پنل‌های خورشیدی، توربین‌های بادی، زمین گرمایی و...) واردات و صادرات تجهیزات برقی، قطعات صنعتی، مواد غذایی عملیات بارگیری و تخلیه و یا ترخیص کالا طراحی، ساخت، نصب و تعمیر و نگهداری انواع تابلوهای برق قدرت و کنترل ارائه خدمات راجع به آب‌رسانی و گازرسانی و یا برق‌رسانی طراحی و ساخت تجهیزات و قطعات برق قدرت و الکترونیک قدرت پیمانکاری، انجام پروژه‌های برق صنعتی، برق قدرت، شبکه‌های انتقال و توزیع برق و روشنایی خانه‌ها، نماهای شهری، اداره‌ها، کارخانجات، معابر، پارک‌ها و فضای سبز، خیابان‌ها و جاده‌ها، تولید محصولات کشاورزی، ارائه خدمات و تأمین نیاز تولیدکنندگان کشاورزی، تولید محصولات دامی کشاورزی، ارائه خدمات به کشاورزان نظیر تسطیح اراضی مشاوره و برگزاری دوره‌های آموزشی درخصوص کشاورزی در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذی‌ربط

مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

مرکز اصلی: استان کرمان، شهرستان کرمان، بخش مرکزی، شهر کرمان، بلوار شیراز، کوچه بوستان ۸، بن‌بست شمالی ۷، پلاک ۰، طبقه اول کد پستی ۷۶۱۹۶۸۸۴۶۹

سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا آقای احمد شفیعی به شماره ملی ۲۹۹۳۴۰۸۰۲۱ دارنده ۷۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه خانم معصومه حسنی‌نژاد سیرچی به شماره ملی ۲۹۹۳۴۱۰۳۱۸ دارنده ۷۵۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه

اعضا هیئت‌مدیره آقای احمد شفیعی به شماره ملی ۲۹۹۳۴۰۸۰۲۱ و به سمت رئیس هیئت‌مدیره به مدت نامحدود و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود خانم معصومه حسنی‌نژاد سیرچی به شماره ملی ۲۹۹۳۴۱۰۳۱۸ و به سمت نایب‌رئیس هیئت‌مدیره به مدت نامحدود

دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها، عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه‌های عادی و اداری با امضای احمد شفیعی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیرالانتشار پاسارگاد جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.

اداره‌کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری کرمان (۱۱۵۲۱۰۷)

آگهی تغییرات شرکت آراد رابین آریا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۵۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۵۱۱۷۳۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: الف- اعضای هیئت‌مدیره عبارتند از: آقای حامد محمودآبادی به ش . ملی ۳۰۷۱۸۶۴۷۰۱ - خانم فاطمه نورمندی‌پور به ش . ملی ۳۰۶۰۳۲۲۱۵۵ - خانم فاطمه محمودآبادی به ش . ملی ۳۰۶۰۳۹۶۶۹۸ برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

ب- خانم شهناز مهدیان به شماره ملی ۳۰۷۱۳۳۲۰۲۵ به سمت بازرس اصلی - آقای رضا جوادی به شماره ملی ۳۹۲۰۵۱۸۵۱۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

ج- روزنامه کثیرالانتشار پاسارگاد جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.

اداره‌کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری سیرجان (۱۱۵۸۵۲۲)

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه هفت سهم از هشت سهم زمین دارای پلاک ۱۸۳۶ اصلی واقع در کشکوئیه بخش ۳۶ کرمان مورد تقاضای آقای مجید آفرین وکیل متولی موقوفه حاج جعفر نیاز به تحدید حدود دارد اعمال تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون ثبت هم میسر نمی‌باشد. لذا حسب درخواست مورخه ۱۴۰۰/۰۱/۲۲ مالک بدینوسیله آگهی تحدید حدود آن به استناد تبصره ۵ قانون مزبور منتشر و عملیات تحدیدی آن از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۰/۰۵/۰۶ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به مالک و یا (مالکین) املاک مجاور رقبه مزبور اخطار می‌گردد که در موعد مقرر در این اعلام در محل وقوع ملک حاضر و در صورت عدم مراجعه مجاورین عملیات تحدیدی با معرفی مالک انجام و چنانچه کسی بر حدود و حقوق ارتفاقی آن اعتراض داشته باشد بر طبق ماده ۲۰ قانون حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز پس از تنظیم صورت مجلس تحدیدی اعتراض خود را کتبا به این اداره اعلام تا به دادگاه صالحه ارسال گردد. بدیهی است پس از گذشت مهلت یاد شده هیچگونه ادعایی مسموع نخواهد بود. ۱۱۰۹ م.الف

تاریخ انتشار: دوشنبه ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

محمد آرمانپور- رییس اداره ثبت اسناد و املاک سیرجان